



فرهنگ جغتایی - فارسی

شیخ سلیمان افندی اوزبکی البخاری

ترجمه و تحشیه:

حسن عبدالهی جهانی (اوموداوغلو)



۱۳۹۲

سرشناسه	: البخاری، سلیمان.
عنوان قراردادی	: لغت جغتای و ترکی عثمانی، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ جغتایی - فارسی / سلیمان افندی اوزبکی البخاری: ترجمه و تحشیه حسن عبدالهی جهانی (اوموداوغلو).
مشخصات نشر	: تبریز: انتشارات دلیز چین: آیدین، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۳۰-۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زبان ترکی جغتایی - واژه نامه - فارسی
شناسه افزوده	: عبدالهی جهانی، حسن، ۱۳۴۸ - مترجم
ردمبندی کنگره	: ۷۰۴۵۱۳۹۲ ج۳ / ۵۲ / ۴۴۱
ردمبندی دیوبی	: ۴۹۹۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۰۳۳۰



انتشارات دلیز چین
ناشر همکار: انتشارات آیدین

عنوان کتاب:	◇ فرهنگ جغتایی - فارسی
مؤلف	◇ شیخ سلیمان افندی اوزبکی البخاری
مترجم	◇ حسن عبدالهی جهانی (اوموداوغلو)
نوبت چاپ	◇ اول - تبریز - ۱۳۹۲
قطع	◇ وزیری - ۴۰۰ ص
شمارگان	◇ ۱۰۰۰ جلد
شابک	◇ ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۳۰-۵-۸
قیمت	◇ ۲۵۰۰۰ تومان
تنظیم و صفحه آرایی	◇ آیشن کامپیوتر
لیتوگرافی	◇ نگین
چاپ	◇ رسام
صحافی	◇ سهند
پست الکترونیک ناشر	◇ danizchin@gmail.com

تبریز، خیابان ولیعصر جنوبی، ۲۰ متری سعدی، ۶ متری آخر پ ۱۱۱. تلفن: ۰۴۱۱-۳۳۱۰۲۴۸ - ۰۹۳۵۹۴۸۶۸۷۸
مرکز پخش: تبریز، خیابان شریعتی شمالی، نرسیده به سینما ۲۹ بهمن. کتابرای مولی - نشر آیدین تلفن: ۰۴۱۱-۵۵۵۳۳۵۹

از دوستان فرهیخته‌ام جناب آقای دکتر روشن پوراکبر خیاوی، دکتر پیمان کیهان‌ور،
ولی‌اله اسعدی، حبیب تازی‌وردیان، زینال جعفرپور، صمد جبارپور، مجید سفیدانی و علی صفری
که در ایام ترجمه و تحشیه‌ی این کتاب، همکاری و مساعدتشان را از من دریغ نداشتند،
تقدیر و تشکر می‌نمایم.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۹	نگاهی اجمالی به زبان و ادبیات جغتایی
۱۹	فرهنگ لغات جغتایی در گستره‌ی تاریخ کرمان
۲۳	«مقدمه‌ی مؤلف»
۲۵	تذکر
۲۷	متن لغت جغتایی - فارسی
۲۶۹	اسب - یراق آلات اسب در لغت جغتایی
۲۷۸	شتر و شترداری در لغت جغتایی
۲۸۰	درختان - نباتات - میوه‌ها در لغت جغتایی
۲۹۱	اصطلاحات کشاورزی و باغداری در لغت جغتایی
۲۹۴	حیوانات اهلی و دامداری در لغت جغتایی
۳۰۰	حیوانات در لغت جغتایی
۳۲۰	دریا و دریانوردی در لغت جغتایی
۳۲۴	جغرافیا و طبیعت در لغت جغتایی
۳۳۴	چادر، خانه و ساختمان در لغت جغتایی
۳۳۸	جنگ، نظامی‌گری، اصطلاحات دولتی در لغت جغتایی
۳۵۶	تقویم و نجوم در لغت جغتایی
۳۶۱	اصطلاحات خویشاوندی، خانواده و خدمه‌ی منزل در لغت جغتایی
۳۶۸	زینت‌آلات و اشیاء قیمتی در لغت جغتایی

- پوشاک- قماش و تجارت در لغت جغتایی ۳۷۱
- موسیقی و شعر در لغت جغتایی ۳۷۸
- اعضا و جوارح آدمی در لغت جغتایی ۳۸۲
- طب، امراض انسان و حیوان در لغت جغتایی ۳۹۰
- فهرست بعضی از منابعی که در تحشیه این کتاب مکرراً از آنها بهره جستیم ۳۹۷

www.ketab.ir

نگاهی اجمالی به زبان و ادبیات جغتایی

"نوام چامسکی" در مطلع مقاله‌ای با عنوان «صورت و معنی در زبانهای طبیعی» می‌نویسد: «هنگامی که به مطالعه‌ی زبان انسان می‌پردازیم، به آنچه ممکن است برخی آن را "ذات انسان" بنامند، یعنی همانا کیفیات ممیّزه‌ی ذهن، نزدیک می‌شویم. تا جایی که می‌دانیم این کیفیات منحصر به نوع انسان است».^۱

داستان نویسی می‌گوید: «انسان بدون سخن گفتن قادر به کاری نمی‌شد.»^۲ آری به راستی که موجد همه‌ی مخلوقات زبان است و معنا، به قول منطقیان: «ان للشی وجوداً فی الایان و وجوداً فی الازهان و وجوداً فی العبارة و وجوداً فی الکتابة».^۳

بر خلاف عقیده‌ی رایج قرن، زبان فقط وسیله‌ی ارتباطی نیست؛ اصلاً زبان وسیله نیست تا چه رسد کسی در این میانه پیدا شود و با نگرشی "ماکیاولی" توجیه هدفی برای این وسیله به اصطلاح زبان پیدا کند. هر زبانی به منزله‌ی یک فرهنگ است. زبان، تجارب اذهان قرن‌ها مردمی است که بخشی از چرخه‌ی کائنات به دست ایشان انجام می‌گیرد. رشد و تعالی یک زبان به منزله‌ی رشد و تعالی فرهنگی است که نظام انسانی بدان استوار است و محتاج. این تعالی میسر نخواهد بود مگر با تعالی هنرهای کلامی؛ ادبیات، نثر، شعر.

پس اگر هنرهای کلامی منشور را جوهره‌ی زندگی تاریخی انسان بدانیم و بنامیم، مهم‌ترین ثمره‌ی این جوهر، متون به شمار می‌رود. در مطالعه‌ی منظم متون با در نظر گرفتن سیر تاریخی آنها، واضح‌ترین و اصلی‌ترین مسئله، استلزام سیر تکاملی زبان - ادبیات می‌باشد. یعنی اینکه هر زبانی با تولّد نسل‌های جدید تولّدی دوباره را می‌آغازد.

۱- نوام چامسکی. زبان و ذهن. ترجمه: کوروش صفوی. صفحه‌ی ۱۴۳. چاپ سوم. ۱۳۸۴. انتشارات هرمس.

۲- ز. م. سنویت

۳- ابوالفضل نمیری. زبان ترکی دریچه‌ای بسوی زبان‌شناسی همگانی. ۱. صفحه‌ی ۸

تجارب ذهنی - زبانی در انسان‌ها از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و انباشته می‌گردد. با تولید ادبی، زبان صیقل یافته و نسبت به منطق زمانی تغییر می‌کند. فلذا با در نظر گرفتن این فعل و انفعالات می‌توان گفت که زبان مبین زمان است. به عنوان مثال می‌توان اشعار "قوتاد قوبیلیک" را با اشعار "امیرعلیشیر نوائی" مقایسه کرد. هر دو جزء متون کلاسیک و کهن ترکی بشمار می‌روند و در تقسیم‌بندی تاریخی زبان و لهجه‌های ترکی در ردیف "دوره‌ی ترکی میانه" قرار می‌گیرند. اما در بررسی تطبیقی مشاهده می‌گردد که گستره و تنوع واژگان در این دو متون افتراق شایانی دارند. از لحاظ تغییرات زبانی، حوادث فونتیکی اتفاق افتاده در این دو اثر متفاوت با یکدیگرند. پس به روشنی می‌توان دریافت که ارزش ادبی، زبانی و تاریخی متون کلاسیک نسبت به یکدیگر تقدّم و تأخری ندارند؛ بلکه ارزش ادبی، زبانی و تاریخی متون در بررسی ابعادی با توجه به حوزه‌ی تحقیقی تقدّم و تأخر خواهد داشت. لذا در این میانه اصلی‌ترین مسئله، خوانش و فهم دقیق و درست متون می‌باشد. خوانش صحیح متون کلاسیک، جز با در دست داشتن فرهنگ لغات معتبر و قابل استناد ممکن نخواهد بود. در خوانش متون هزاره‌های کهن و حتی متون کلاسیک چند صد سال اخیر، بالقطع می‌توان اذعان داشت که درک و فهم معانی ذاتی یا اساطیری واژگان به منزله‌ی رمزگشایی متون می‌باشد؛ حال با در نظر گرفتن این نکته که این متون، درونمایه یا موضوعی اساطیری داشته باشند جایگاه این مهم را دو چندان می‌کند. واژگان و اصطلاحات بکار رفته در متون اساطیری در معانی متفاوتی با صور مفاهیم امروزی و محلی بکار رفته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از رنگها و معانی‌شان در نزد ترکان از باستان تا صد سال اخیر نام برد. ترکان در اعلام جغرافیای و تاریخی؛ چهار رنگ "آغ، قارا، قیزیل، گوئی" را در حکم چهار جهت اصلی "جنوب، شمال، شرق، غرب" می‌دانستند و استعمال می‌نمودند. یا به هنگام بکارگیری رنگی از رنگهای مقدّس و اصلی به عنوان پیشوند کلمه‌ای، آن رنگ، معنایی به غیر از رنگ را در بر می‌گرفت؛ مثلاً "گزی مسجد" به معنای "مسجد مقدّس و بزرگ" آمده که به اشتباه "مسجد کبود" معنی شده است. البته اشتباه اصلی در آنجا رخ داده است که اسامی خاص ترجمه شده‌اند! "قارا داغ" به معنای "کوه عظیم" می‌باشد نه به معنای "کوه سیاه". از این‌روست که وجود فرهنگ لغات در برهه‌های مختلف تاریخی برای هر ملّتی امری لازم و ضروری می‌باشد. ترکان نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و نخواهند بود.

کتاب "لغت جغتایی و ترکی عثمانی" اثر "شیخ سلیمان افندی اوزبکی البخاری" در شمار مجموعه فرهنگ‌های معتبر و قابل استناد ترکان می‌باشد. این کتاب در عصر "سلطان عبدالحمید غازی" مقارن با سال ۱۲۹۸ هجری قمری در شهر استانبول به چاپ رسیده است. کتاب مزبور در

۱- سفید، سیاه، سرخ، آبی (سبز)

۲- رنگهای مذکور در اعلام تاریخی و جغرافیایی به معنی عظمت، بزرگی، فراوانی بکار رفته‌اند.

سید و بیست صفحه به رشته‌ی تحریر در آمده است که در ابتدای آن شاهد مقدمه‌ی منظوم مؤلف در نود و سه بیت هستیم. بعد از مقدمه‌ی مؤلف، قواعد دستور زبانی جغتایی در نه صفحه جای گرفته است. این لغت نامه دارای غلط نامه‌ای نیز می‌باشد.^۱

در اینجا خالی از لطف نخواهد بود اگر به اثر گرانبهای دیگری یعنی لغت نامه‌ای هم ارز این لغت نامه اشاره نمود، "اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتائیه". چنانکه از نامش پیداست، این اثر گرانبها محصول تألیفات و ترجمه‌های "امیر علیشیر نوائی" من باب لغات و اصطلاحات جغتایی می‌باشد. این اثر به خاطر اولین لغت به کار رفته در آن یعنی "ابوشقه" به نام «ابوشقه» مشهور گردیده است. این لغت نامه در زمان حکومت الکساندر دوم، هفتمین تزار روسیه، به سال ۱۸۶۸ میلادی (۱۲۸۵ ه. ق) به اهتمام "ولادمیر ولیامینوف زرنوف" در چاپخانه‌ی آکادمی شهر «پترزبورگ» انتشار یافت. شکل تحریری این لغت نامه‌ی معظم عبارت است از چهار صفحه مقدمه‌ی منظوم مؤلف، چهارصد و شانزده صفحه لغت نامه، دو صفحه غلط نامه و بیست و هفت صفحه مقدمه به زبان فرانسه که در آخر کتاب آمده است.

قبل از پرداختن به حوزه‌ی کاربردی لغت نامه‌ی جغتایی و چگونگی ترجمه و چرایی تحشیه‌های اضافه شده از سوی مترجم و همچنین بررسی موضوعی واژگان، پربیراه نخواهد بود اگر نگاهی به سیر تاریخی شیوه‌ی ادبی جغتایی داشته باشیم و به اجمال از زمام جغتای تا شیوه‌ی جغتایی را بررسی کنیم.

در مورد زبان، لهجه یا شیوه‌ی جغتایی و حتی شاخه‌های مختلف زبان ترکی اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد، «بطوریکه عده‌ای از زبان‌شناسان اروپا و به ویژه شوروی، هر یک از لهجه‌های ترکی را یک زبان مستقل می‌دانند».^۲ اما عده‌ای از زبان‌شناسان بالاخس در سه کشور ترکیه، آذربایجان و انگلستان آرای متفاوتی در این باره دارند. «زبان‌شناسان ترکیه در مواردی که اختلاف در صداها (فونم) است، گویش و در صورتیکه این اختلافات هم در صداها و هم در شکل کلمات باشد، شیوه و اگر غیر از صدا و شکل کلمات، خود کلمات هم تغییر یافته باشند، لهجه می‌گویند».^۳

با بررسی آرای محققین، عالمان و زبان‌شناسان دیگری چون پروفسور دکتر جواد هیئت در کتاب علمی و تحقیقی "سیری در زبان و لهجه‌های ترکی" به این نتیجه می‌رسیم که شخص ایشان برخلاف آرای زبان‌شناسان اروپایی و شوروی سابق که هر یک از لهجه‌های ترکی را یک زبان مستقل می‌دانستند، چنین می‌نویسد: «به نظر ما لهجه‌ها و شیوه‌هایی که برای یکدیگر قابل فهمند

۱- مترجم آگاهانه و دانسته از آوردن مقدمه‌ی منظوم مؤلف و همچنین قواعد دستور زبانی جغتایی خودداری نموده است.

۲- دکتر جواد هیئت. سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی. صفحه‌ی ۲۰. چاپ مؤم. نشر بیکان. تهران ۱۳۸۰

۳- همان منبع. همان صفحه.

یک زبان محسوب می‌شود.^۱ از طرفی ایشان در همین اثر درباره‌ی «جغتایی» چنین می‌نویسد: «توانی بنیانگذار ادبیات جغتایی، از این لهجه به نام ترکی یاد نموده ولی مؤلفین اروپایی از قرن ۱۹ میلادی این لهجه‌ی ترکی و ادبیات آن را جغتایی نامیده‌اند».^۲

در دیگر اثر معتبر و ارزنده‌ی «دایرة المعارف اسلامی»^۳ نیز، «جغتایی» یکی از لهجه‌های زبان ترکی بشمار می‌رود و مؤلفان از آن با عبارت «لهجه‌ی ادبی جغتایی» از آن یاد می‌کنند. برخی از زبان‌شناسان با ماهیت تعریفی ارائه شده از سوی زبان‌شناسان ترکیه موافق نبوده و «لهجه» را محلی‌تر و «شیوه» را دارای کارکرد ادبی و رویکردی سیستمی‌تر در حیطه‌ی زبانی می‌پندارند؛ چنانکه برای «شیوه» قابلیت خلق آثار ادبی قائلند، ولی برای «لهجه» چنین کارکردی را قائل نمی‌باشند. از اینرو جغتایی را نوعی «شیوه» در زبان ترکی می‌انگارند. با بررسی چند کتاب دیگر که در سال‌های اخیر، محققان و ادیبان «سینک یانگ» منتشر نموده‌اند به عنوان زیر بر روی کتب بر خورد می‌کنیم:

(۱) چاغاتای دیلی حقیقده مفصل بیان

(۲) چاغاتای دیلی نین ایضاحلی لغتی

در هر دو اثر به وضوح در می‌یابیم که عالمان و محققان سرزمین «سینک یانگ» - شینجانگ^۴ - با نظر زبان‌شناسان اروپایی و شوروی سابق موافقت و رای بر استقلال زبانی شاخه‌های مختلف ترکی دارند و از جغتایی به عنوان زبانی مستقل یاد می‌کنند.

پس از مباحث مطروحه در سطور فوق، من باب ماهیت یا هویت زبانی جغتایی، صحت پیدایش و سیر تاریخی جغتایی التزام می‌یابد. قبل از هر سخن بایستی اشاره نمود، چون در این بحث اساساً از دو کتاب «دایرة المعارف اسلامی» و «سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی» استفاده شده است و نظر نویسندگان هر دو کتاب بر این بوده است که جغتایی یکی از لهجه‌های زبان ترکی می‌باشد، لذا از عنوان «لهجه‌ی ادبی جغتایی» در این مبحث استفاده شده است.

پراکندگی ترکان در سرزمین‌های متعدد را می‌توان اصلی‌ترین علت تنوع لهجه‌ها و شیوه‌های زبان ترکی دانست. بطوری که بعضی از این شاخه‌های زبانی مانند «یاقوت» و «چوواش» به علت دور بودن از دیگر اقوام تورک لهجه و شیوه‌ای بسیار متفاوت پیدا کرده‌اند، به طوریکه برای دیگر اقوام تورک، زبان آنها قابل فهم نمی‌باشد.^۵ که مهمترین این اقوام تورک عبارتند از:

۱- همان منبع. همان صفحه.

۲- همان منبع. صفحه ۸۹.

۳- اسلام انسیکلوپدیاسی.

۴- سرزمین ترکستان شرقی. ایالات تورک‌نشین و مسلمان در کشور چین.

۵- دکتر جواد هیئت. صفحه ۲۰.

- یاقوت‌ها (یاکوت)
 - چوواش‌ها
 - قیرقیزها
 - قزاق‌ها
 - ترکان ترکستان شرقی یا اویغورها
 - اوزبک‌ها
 - ترکمن‌ها
 - ترکان غازان، باشقرد
 - ترکان شمال قفقاز (قوموق، نوغای)
 - ترکان غرب، ترکی ترکیه، ترکی آذربایجان، ترکان عراق و ترکان سوریه
 - ترکان کریمه
 - ترکان بالکان
 - قاقاووزها یا گوک اوغوزها (ترکان مسیحی رومانی)
 - ترکان آلتای
 - ترکان خاکاس - آباکان
 - ترکان سویون یا تووا
- این قبایل در برهه‌های مختلف تاریخی زبان ترکی آثار جاودان ادبی بسیاری از خود به یادگار گذاشته‌اند. یکی از این آثار جاودانه و در لامعه‌ی تاریخ ترکان، اثر معظم "لغت جغتایی و ترکی عثمانی" اثر "شیخ سلیمان افندی اوزبکی البخاری" می‌باشد. دکتر جواد هیئت در کتاب خود به نقل از کتاب "تورک دیل تاریخی" اثر "احمد جعفر اوغلو"، تاریخ زبان ترکی را به شش مرحله تقسیم می‌کند.^۱
- ۱- دوران آلتائی که در این مرحله با زبان مغولی زبان مشترکی را تشکیل می‌دادند.
 - ۲- دوران پروتو تورک
 - ۳- دوران ترکی اولیه (هون، بلغار، پچه‌نک، خزر)
 - ۴- ترکی قدیم
 - ۵- ترکی میانه
 - ۶- ترکی جدید

"لهجه‌ی ادبی جغتایی" را در ابتدا و در آغازش می‌توان مربوط به ترکان ترکستان شرقی یا اوینغورها دانست که بعدها در میان سایر ترک زبانان چون آذربایجانی‌ها، اوزبک‌ها، ترکان قفقاز به عنوان زبان ادبی، درباری، اداری و سیاسی نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است.

«بعد از ترکی قدیم (زبان کتابت گؤک تورک و اوینغورها) دو نوع زبان کتابت پیدا شد. ترکی شمال شرقی و ترکی غربی یا اوغوز»^۱. «ترکی شمال شرقی در واقع ادامه‌ی ترکی خاقانی بود که بعد از یک قرن تکامل به دو لهجه‌ی شمالی یا قیپچاق و لهجه‌ی شرقی یا جغتایی تبدیل شد»^۲.

«قبل از استیلای چنگیزخان مغول "قاراخانی‌ها" در منطقه^۳ حضور داشتند و به لهجه‌ی خاقانیه سخن می‌گفتند. "لهجه‌ی ادبی خاقانیه" در "کاشغر"، "بالاساغون" و "سمرقند" زبان حاکم زمان خود بود. در "قاراخانی‌های شرقی" به عنوان زبان رسمی استفاده می‌شد. خاقانیه تحت تأثیر "ترکی قارلوق"، "ترکی یغمایی" و "ترکی اوینغور قدیم" بوجود آمده بود. از آثار معظم و گرانتقد لهجه‌ی ادبی خاقانیه می‌توان از "قوتاد قوبیلیک" (قرن ۱۱ میلادی) و "عتبه الحقایق" (قرن ۱۲ میلادی) نام برد. همچنین از شاعران برجسته‌ی این دوره‌ی ادبی می‌توان به "منوچهری" شاعر دربار غزنویان در قرن ۱۱ میلادی و به "فخرالدین مبارک شاه" شاعر دربار قارلوق‌ها در قرن دوازده میلادی اشاره کرد؛ این دو شاعر به لهجه‌ی ادبی خاقانیه شعر می‌سرودند.

در زمان استیلای چنگیزخان، زبان ادبی رایج لهجه‌ی خاقانیه بود که بعد از افول چنگیزخان، زبان خاقانیه با لهجه‌های محلی ترکان اوغوز و قیپچاق در هم آمیخته و لهجه‌ی ادبی جدیدی را بوجود آورد که به جغتایی شهرت یافت. پس از روی کار آمدن نوادگان چنگیز یا بنا به قولی پسرش "جغتای" شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی آن زمان به نوعی تغییر نموده بود که بستر برای تشکل شیوه‌ای جدید در مکاتبات اداری، سیاسی و همچنین تعامل زبانی بوجود آمده بود. عواملی همچون تغییر توازن قومی، فرهنگی و ورود علوم اسلامی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و تأثیر پذیری از فرهنگ و ادب ممالک همسایه همگی و همگی شرایط تغییر زبانی و خلق لهجه‌ی ادبی جغتایی را فراهم آوردند. لهجه‌ی ادبی جغتایی اولیه در قرن سیزده میلادی در سرزمین‌های «ترکستان»، «خراسان» و همچنین ایالت «خوارزم» و بعدها در «آلتین اوردو» کانون توجه نویسندگان و ادیبان قرار گرفت و راه برای تعالی لهجه‌ی ادبی جغتایی هموار شد.

لهجه‌ی ادبی جغتایی طی هفت قرن حیات ادبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی خود از لحاظ ماهیت و هویت پنج مرحله‌ی تاریخی - تکاملی را پشت سر گذاشته است:

۱- همان منبع. صفحه ۸۸

۲- همان منبع. صفحه ۲۲

۳- مقصود همان مناطق و نواحی می‌باشند که چنگیز خان در آنجا حکمرانی نموده و مناطقی که "لهجه‌های ادبی جغتایی" به عنوان زبان اصلی بکار گرفته شده است.

دوره‌ی اول جغتایی (قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی)

دوره‌ی آغازش مرحله کلاسیک (نیمه‌ی اول قرن ۱۵ میلادی). این دوره تا ظهور امیر علیشیر نوائی بیان می‌شود.

دوره‌ی نوائی (نیمه‌ی دوم قرن ۱۵ میلادی). این دوره جزء ادوار کلاسیک جغتایی می‌باشد.

دوره‌ی بابور شاه- شیبانی‌ها (قرن ۱۶ میلادی) این دوره "استمرار دوره‌ی کلاسیک" نیز نام گرفته است.

دوره‌ی افول و انحلال (قرن ۱۷ الی قرن ۱۹ میلادی)

دوره‌ی اول جغتایی از اواخر قرن چهارده میلادی آغاز گردیده و تا نیمه‌ی اول قرن پانزده میلادی در عصر تیموریان ادامه یافته است؛ بطوریکه در مراکز سیاسی و مدنی آن زمان یعنی ایالت خراسان هرات و سمرقند در ناحیه ماوراءالنهر جایگاهی ویژه برای خود باز کرده و مراحل ابتدایی را از لحاظ زمانی پشت سر گذاشته و مابینتی کلاسیک یافته است.^۱

با عنایت به اینکه در تقسیم‌بندی تاریخی لهجه‌ی ادبی جغتایی، نیمه‌ی اول قرن ۱۵، دوره‌ی آغازش "مرحله‌ی کلاسیک" نام گرفته است، لازم است یادآور شویم که در این دوره، لهجه‌ی ادبی جغتایی، زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای ورود به این مرحله تدارک می‌دیده است و هنوز نویسندگانی که آثارشان در زمره‌ی آثار کلاسیک باشد ظهور نکرده بودند. «در این دوره شعری مانند "میر حیدر خوارزمی" معروف به ترکی گوی، مؤلف منظومه‌ی "مخزن الاسرار ترکی" و "یوسف امیری" مؤلف "دیوان"، "دهنامه"، "مناظره‌ی چاخیر و بنگ" (در زمان بایسنقر میرزا)، "سکاک‌ی قصیده سرا و "ملک الشعرا دربار "خلیل سلطان" و "اولغ بیگ" و "عطائی یقینی" و "گدایی" در سمرقند و "لطفی" در هرات زمینه‌ی ظهور و تکامل ادبیات جغتایی را فراهم آوردند.»^۲

با بررسی تاریخ ادبیات جغتایی می‌بینیم که در نیمه‌ی دوم قرن پانزده میلادی تولد دوره‌ی کلاسیک جغتایی با تولد ادبی "امیر علیشیر نوائی" مصادف می‌شود. آثار وی به گونه‌ای لهجه‌ی ادبی جغتایی را سمبولیزه می‌کند که بر این اساس این دوره به تعبیری "دوره‌ی نوائی" نام می‌گیرد. "سلطان حسین بایقرا"، امیر دانشمند و هنرپرور تیموریان در سال ۱۴۶۹ میلادی، پایتخت خود را از سمرقند به هرات تغییر داد زین پس هرات، مرکز بی‌بدیل علم و ادب گردید.»^۳

نوائی علاوه بر زبان ترکی، به زبانهای فارسی و عربی تسلط کامل داشت. وی در اشعار ترکی "نوائی" و در اشعار فارسی "فانی" تخلص می‌کرد. «نوائی با شعری مانند جامی، هاتفی، و بنائی

۱- تلخیص از «اسلام انسکلودیسی» (دایره المعارف اسلامی) جلد سوم، مادی ادبیات جغتایی.

۲- جواد هیئت، سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی.

۳- همان منبع، صفحه ۸۹.

همچنین خطاطی چون؛ سلطان علی مشهدی و موسیقی‌شناسی همانند حسین واعظ و نقاش و مینیاتوریست مشهوری همچون بهزاد تماس نزدیک داشت...^۱

"امیر علیشیر نوائی" مؤلف کتاب‌های "بدیع الوسط"، "فوائد الکبر"، "غرایب الصغر"، "لسان الطیر"، "نظم الجواهر"، "نوادرالشباب"، "حیرت الابرار"، "سروج المسلمین"، "مناجات‌نامه"، "چهل حدیث"، "نسایم الجنة"، "محبوب القلوب"، "تواریخ الانبیاء"، "تواریخ ملوک"، "خمسه المتحیرین"، "مجالس النفایس"، "محاکمة اللغتين"، "سدا اسکندریه"، "سبعة سیاره" می‌باشد.

ادبیات جغتایی در قرن شانزده میلادی که به دوره‌ی "بابور شاه - شیبانی‌ها" مشهور است در نقطه‌ی اوج خود قرار دارد. زبان و ادب جغتایی در دوره‌ی حکومت بابور و نوادگانش در هند، به شکل ادبیات پیشرو و فاخر درباری ظاهر می‌شود. در عصر حکومت شیبانیان نیز این لهجه‌ی ادبی همچنان سیر تکاملی خود را حفظ می‌کند و استمرار دوره‌ی کلاسیک محسوب می‌شود.

از قرن هفده تا نوزده میلادی لهجه‌ی ادبی جغتایی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. ولی بعدها به دلیل عدم ظهور شخصیت‌های تأثیرگذار و پیشرو ادبی، دچار رکود و سکون می‌شود. بطوریکه عدم توانایی تولید زبانی و ادبی سازگار و مواردی با منطق کلامی و زمانی شرایط افول و سقوط دهه به دهی لهجه‌ی ادبی جغتایی را هموار می‌سازد.

اما در هر حال با همه‌ی این شرایط، شمول فرهنگی جغتایی همچنان پایدار است ولی با اندیشه در آسیب‌یابی و شرایط افول زبان و ادب جغتایی متوجه می‌شویم که مواجهه‌ی لهجه‌ی ادبی جغتایی در چنین وضع آسیب‌پذیری با قرن بیستم میلادی سرانجام نیکی در پی نداشت. قرن بیستم میلادی نوید شروع و پایان مسائل زیادی بود. بعد از رکود و بحرانی که گریبان‌گیر لهجه‌ی ادبی جغتایی گردید، شرایط قرن بیستم میلادی نیز بر آن سایه افکند. یکی علل مهم افول نیز مسئله‌ی پیشی گرفتن اقتصاد بر دیگر موضوعات زندگی انسان‌ها بود. همچنین از طرفی بازگشت اقوام تورک به لهجه‌های محلی خود و شروع تولید ادبی در این لهجه‌ها تضییع دو صد چندان لهجه‌ی ادبی جغتایی را سبب گردید و سیطره‌ی این لهجه‌ی ادبی رفته - رفته کوچک و کوچکتر شد. بطوری که رفته رفته احتمال اضمحلال آن می‌رفت؛ اما خوشبختانه چنین نشد و لهجه‌ی مذکور در قالب زبان اوزبکی و اوغوری به حیات خود ادامه داد. پیدایش "ادبیات نو در اوزبک" را می‌توان به نوعی احیا لهجه‌ی ادبی جغتایی تلقی نمود.

لهجه‌ی ادبی جغتایی پا به پای دو لهجه‌ی پیشرو و متشخص تاریخ زبان ترکی، یعنی ترکی آذربایجانی و عثمانی در خلق آثار بسیار مهم و تاریخی زبانی چون موجد گنجینه‌ی تاریخی ترکان ایفای نقش نموده است.

«در آذربایجان شعری مانند "کاظم سالک"، "نشاط"، "حجت" و... و در آناتولی "احمد پاشای بورسای"، "شیخ غالب"، "ندیم" و "امیر علیشیر ثانی (کاتبی)" به لهجه‌ی جغتایی شعر سروده‌اند و تأثیر ادبی جغتایی در این مناطق روز به روز بیشتر شده است.»^۱

تقریباً تا نود سال پیش شاعران بسیاری در تبریز، نخجوان، اوردوباد غزل‌هایی به سبک و سیاق زبان جغتایی می‌نوشتند که به غزل‌های جغتایی مشهور هستند. شاعرانی چون "قدسی وندی" و "سالک اردوبادی" و خیل شاعران جغتایی گویی هستند که آثار خطی ایشان در موزه‌ی کتاب‌های خطی جمهور خودمختار نخجوان موجود است. از شاعران نامی شیوه‌ی جغتایی، جدای از «امیر علیشیر نوائی» می‌توان به "مونسی"، "خوارزمی"، "سلطان حسین بایقرا (حسینی)"، "میر حیدر"، "اسکندر میرزا"، "سلطان حسین"، "لطفی"، "بنائی"، "بابورشاه" و "ملا شاکر" اشاره کرد.

با عنایت به تاریخ اجمالی در باب شیوه‌ی ادبی جغتایی که در سطور پیشین خواندیم به روشنی می‌توان این نکته را دریافت که ادبیاتی با این سیطره جغرافیایی و با چنین پشتوانه‌ی زبانی، شایان توجهی بخصوص است. لذا اگر با لطف و نظری که شایسته‌ی این لغت‌نامه است بدان تعمق نماییم بی‌شک در می‌یابیم که تحقیق و تخصص و ترجمه‌ی این اثر معظم چه اندازه کاری دشوار، سترگ و لازم بوده است و وجود انسانی عالم و معتمد و متخصص این امر را می‌طلبید که همینگونه نیز شد. استاد گرانقدر آقای «حسن عبداللهی جهانی» (اومود اولو) چهره‌ای شناخته شده و مقبول نزد عالمان متون ادبی کهن ترکی می‌باشند. با توجه به ذقت نظر و تسلط ادبی - لغوی ایشان، در ترجمه و تحشیه و تعلیقات این اثر معظم از بیست و چهار کتاب مرجع بهره گرفته شده است. البته کتبی نیز بوده‌اند که از آنها یک یا دو بار استفاده شده که اسامی این کتب جزو اسامی کتب مرجع نیامده است. لازم به ذکر است که مترجم سعی داشته است فقط لغات و معانی مختلف آنرا مبنای کار خود قرار دهند لذا با صلاحدید، در چاپ اول این کتاب از آوردن شواهد شعری ذیل لغات خودداری کرده است. باشد که در چاپ‌های آتی شواهد شعری نیز گنجانده شوند.

کاربرد این لغت‌نامه به علت سیطره و گستره‌ی وسیع موضوعی لغات - اسامی حیوانات، جامدات، نباتات، اصطلاحات علم نجوم و تقویم، اصطلاحات صنایع دوران کهن، اصطلاحات طبّی، اصطلاحات فامیلی و اسامی ایلات و طوایف ترکان، لغات نظامی و دیوانی، اصطلاحات موسیقی و... مورد توجه عالمانی چون جناب دکتر «محمد معین» بوده است.

دانشمند و لغت‌شناس بزرگ ایرانی در شرح و تحشیه "برهان قاطع" مکرراً به «لغت جغتایی و ترکی عثمان» تمسک جسته و به این کتاب معظم استناد کرده‌اند ایشان همچنین در تنظیم و تألیف اثر گرانبهای "فرهنگ معین" و برای تمیز لغات مغولی - ترکی و در باب ذکر ریشه‌ی بسیاری از لغات ترکی دخیل در زبان فارسی نیز از این لغت‌نامه بهره برده‌اند.

این لغت‌نامه در بازگشایی و رمزگشایی لغوی-اساطیری، متون کهنی چون داستانهای "دده قورقود" اهمیتی به سزا دارد بطوریکه ریشه‌ی بیش از نیمی از اسامی خاص کتاب معظم "دده قورقود" را می‌توان از لغت‌نامه‌ی جغتایی استخراج نمود. لغت‌نامه جغتایی در فهم صحیح اعلام تاریخی، اصطلاحات دیوانی، نظامی، درباری بکار رفته در متون کلاسیکی همچون "جهانگشای جوینی"، "تاریخ بیهقی"، "تاریخ طبری"، "جامع التواریخ رشیدی"، "احسن التواریخ" و... بهترین و مستندترین مرجع به‌شمار می‌رود.

کوتاه سخن آنکه، با فهم دقیق و روشن آنچه که گذشتگان در قالب متون کلاسیک برتأییده‌اند روی بسوی تعالی زبان انسانی و ادبیات داشته باشیم.

تبریز- آرش ساعی

فرهنگ لغات جغتایی در گستره‌ی تاریخ ترکان

در مرده ریگ ادب گرانیهای ترکی، بالخصوص تاریخ مشعشع آذربایجان فرهنگ‌های لغات از اهمیت خاصی برخوردارند. شاید به جرأت توان گفت که در هیچ زبانی به اندازه‌ی زبان ترکان فرهنگ لغات تألیف یا تدوین نگردیده است. راقم این افتخار را داشته که در سال ۱۳۸۲ جزوه‌ای با عنوان "سۆزلوک لر سۆزلویو" تألیف کرده‌ام که در متن آن، حدود یکصد فرهنگ لغت برای خواننده معرفی گردیده بود. البته این تعداد فرهنگ لغات، شاید یک پنجاهم از فرهنگ لغاتی باشد که در دسترس مؤلف بوده و طی سال‌های اخیر چندین فرهنگ لغت دیگر را نیز دیده‌ام که اگر توفیقی دگر بار نصیب راقم گردد، آن جروه به بیش از دو برابر افزایش خواهد یافت و این در نوع خود جالب توجه خواهد بود. قدر مسلم اینکه دسترسی به تمام و یا حداقل فرهنگ‌های لغت که تعداد کثیری از آنها خطی بوده و در کتابخانه‌های اقصی نقاط دنیا می‌باشند برای هر کسی مقدور نمی‌باشد. از این رو نوشتن مشخصات فرهنگ‌های مذکور تقریباً محال است. متأسفانه علیرغم تلاش نویسنده‌ی سطور، در آن جزوه‌ی یاد شده کمتر به فرهنگ لغات جغتایی برخورد گردیده است. شاید یکی از دلایل آن، ندرت فرهنگ‌های جغتایی و یا چنانکه ذکر گردید عدم دسترسی من حقیر بوده است. در حالی که پیشینه‌ی ادب و تاریخ جغتایی را باید در اعماق تاریخ جست. بسیاری دانشمندان و ادبایی که گهرهای لامع خود را به شیوه‌ی ترکی جغتایی آفریده‌اند. هلالی جغتایی؛ میرزا مهدی خان استرآبادی؛ فضل الله نعیمی تبریزی استرآبادی؛ امیر علیشیر نوائی؛ اولوغ بیگ؛^۱ سلطان حسین بایقرا که دیوان اشعارش به سان جهان‌شاه حقیقی و مسیحی شیروانی به لهجه‌ی ترکی جغتایی می‌باشد؛ امیر خسرو دهلوی- شاعر برجسته؛ بیدل دهلوی شاعر نازک خیال و طراز اول مکتب هندی؛ نظام‌الدین احمد جغتایی- متوفی ۶۶۰؛ میرزا محمدتقی رسا جغتایی- متوفی ۱۲۲۳؛ مولانا آهی جغتایی- متوفی ۹۲۷؛ بابر و... اختران خاموشی ناپذیر آسمان ادب ما می‌باشند. اما علیرغم تمام کاستی‌ها و با تقلاً و تلاش فراوان باز توانستیم چند نمونه فرهنگ لغت جغتایی به چنگ آورده و سیاهه‌ی آنها را بنویسم که ذکر آنها شاید خالی از فایده نباشد.

^۱ - الغ بیگ: زمانی پادشاه و زمانی دیگر وزیر با تدبیر تیموریان بود.

اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتائیه (ابوشقه):

چنانکه از نام این فرهنگ بر می آید؛ حاوی لغات مشکله جغتایی و شواهد ادبی از دیوان اشعار امیر کبیر علیشیر نوائی به همراه توضیحاتی در این کتاب ارائه گردیده‌اند. این کتاب که در نوع خود ارزشمند و بی نظیر است به همت آکادمیسین و شرق‌شناس مشهور روسی؛ ولادیمیر ولیامینوف زرنوف در شهر پترزبورگ و در سال ۱۸۶۸ میلادی؛ مطابق سال ۱۲۸۵ هجری تدوین و منتشر گردیده است. در انتهای این کتاب، مقدمه‌ای ۲۷ صفحه‌ای نیز به زبان فرانسه درج شده که مبین اهمیت کتاب می‌باشد.

لغت نوائی (ترکی جغتایی):

فرهنگی است ترکی به ترکی که با کمال تأنف نویسنده‌ی آن برای راقم مشخص نمی‌باشد. نویسنده‌ی این فرهنگ؛ گاهی اوقات به اشعار امیر علیشیر نوائی تمثیل می‌جوید. حالیا این فرهنگ ۲۲۰ صفحه‌ای و دستنویس در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۰۹۲۸/۹۲۸۷ محافظت شده و همت فردی صلاحیت‌دار و کارکشته را جهت آماده‌سازی برای چاپ طلب می‌کند.

لغت جغتایی به فارسی:

نویسنده‌ی این فرهنگ، شخصی به نام ندرعلی بوده است که متأسفانه از حیاتش اطلاع دقیقی در دست راقم نمی‌باشد. اما این قدر هست که وی فرهنگ با ارزش خود را قبل از سال ۱۱۹۱ به اتمام رسانده و در سال یاد شده کاتبی از آن استنساخ کرده است. نسخه‌ای از این کتاب خطی در کتابخانه‌ی غنی دانشمند و نسخه‌شناس برجسته و بزرگوار تبریزی استاد زنده یاد «مرحوم حاج میرزا جعفر سلطان القرائی» موجود بود که به کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی انتقال یافته و اکنون تحت شماره ۸۵۴۱۷/۱۱۸۹۰ نگاهداری می‌شود.

فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ:

فرهنگی است ترکی و فارسی که توسط نویسنده‌ی نام‌آشنای عصر نادری؛ یعنی میرزا محمد مهدی‌خان استرآبادی در قرن دوازده هجری تالیف گردیده است. نسخ متعددی از این کتاب ارزشمند در کتابخانه‌های اقصی نقاط جهان نگاهداری می‌گردد. نسخه‌ای موجز از آن در سال ۱۳۷۴ شمسی به توسط استاد «روشن خیای» در تهران تدوین و منتشر شد. نسخه‌ی دیگری نیز

توسط زبان‌شناس و محقق نام‌آور انگلیسی «سر جرارد کلاوسون» در سال ۱۹۶۰ به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ گردیده است. ناگفته نماند که این فرهنگ سترگ بارها در خارج از مرزهای ایران چاپ گردیده و حتی موضوع پایان‌نامه‌های متعددی نیز بوده و است.

لغت جغتای و ترکی عثمانی:

فرهنگ نامبرده شده در سطور بالا را شیخ سلیمان افندی اوزبکی البخاری تالیف کرده است. مؤلف اثر خود را در عصر «سلطان عبدالحمیدخان غازی»^۱ به اتمام رسانیده. لغت جغتایی و ترکی عثمانی در سال ۱۳۲۰ هجری به اتمام رسیده و در نوع خود فرهنگی است منحصر به فرد. این فرهنگ با مقدمه‌ای منظوم شروع و سپس شروح لغات و آوردن شواهد ادبی می‌پردازد. این کتاب بعدها در سال ۲۰۰۳ میلادی در شهر استانبول کشور ترکیه و در ۳۲۰ صفحه توفیق نشر یافته است. در انتهای فرهنگ مذکور مقاله‌ای به زبان آلمانی و سه مقاله نیز به زبان ترکی استانبولی در ۲۸ صفحه درج گردیده است.

من نمی‌خواهم راجع به شیوه‌ی نگارش نویسنده‌ی لغت جغتایی و ترکی عثمانی و همچنین چگونگی به دست آوردن نسخه و... سخن بگویم. چرا که نه مجال آن در این مختصر می‌باشد و نه شاید صلاحیت آنرا داشته باشم لذا آنرا گذاشته و می‌گذرم. اما باید بگویم زمانی که کتاب را تئورق می‌کردم حقیقتاً شور و شعفی گسترده در روح و روان من پدید آمد که شاید نتوانم آنرا در اینجا با این قلم عاجز و مزجاء اندک خود بیان نمایم. دریا در گذشته‌های نه چندان دور، ما چه علمای قدری را از دست داده‌ایم؟ اما زهی این افتخار ماراست که آثار آنها در دسترس است و هر کسی به وسع خود می‌تواند از آنها استفاده نماید. خوشا به حال دوست فرزانه و دست به قلم «حسن امید اوغلو» که دست به ترجمه‌ی این کتاب مشکل که مشحون از لغات از یاد رفته و علمی می‌باشد؛ شده است. این مهم هرگز عملی نمی‌شد مگر با دانشی ژرف در ساحتی لغت‌شناسی که الحمدالله و منه این علم به وفور در مترجم کتاب به راحتی قابل مشاهده و رویت می‌باشد. آقای «امید اوغلو» این کتاب نسبتاً گمنام و کمیاب را از بین دهها لغتنامه مهم دیگر چون گنجی یافته و با دستان پر مهر خود گرد حاصل از ایام انزوا را از آن پاک کرده و در اختیار خواننده‌ی صاحب ذوق گذاشته است. از اهمیت این کتاب همین بس که یکی از منابع دست اول و پایه‌ی مرحوم «دکتر محمد معین» صاحب «فرهنگ معین» بوده است. نیک می‌دانیم که زنده یاد «دکتر معین» از دانشمندان طراز اول بودند و سره را از ناسره خوب تشخیص می‌دادند. آقای «حسن امید اوغلو»؛ مترجم این

اثر، که پی به اهمیت این کتاب مستطاب برده بود درنگ را جایز ندیده و با احاطه‌ای که در این زمینه دارد دست به کار گردیده است. صرف نظر از ترجمه‌ی قابل قبول این کتاب؛ ایشان با توضیحات ارزشمند خویش خواننده را از دامنه‌ی وسیع اطلاعات خود نیز آگاه کرده؛ حتی پاره‌ای از گره‌های حاصل را نیز باز می‌نماید. به نظر من سهم مترجم کتاب کمتر از نویسنده‌ی کتاب نیست. زیرا ایشان با توضیحاتی که ارائه نموده‌اند به خوبی حق مطلب را ادا کرده و خواننده‌ی فارسی زبان با سهولت می‌تواند از مزایای کتاب و ترجمه بهتر استفاده نماید. نوشتن توضیحات و ترجمه‌ی این کتاب ارزنده به گمان من در صلاحیت هر کسی نمی‌تواند باشد که هیچ؛ بلکه اطلاعات وسیعی نیز می‌طلبد که شاید در توان همگان هیچ وقت نباشد. من خود شاهد بودم که ایشان طی چندین سال متمادی با چه شور و شوق و وسواس زاید الوصفی دشواری‌های سر راه را برداشته و نسبت به ترجمه‌ی آن اهتمام ورزیده‌اند. پس از خواندن این ترجمه و تطبیق با نسخه‌ی اصلی دیگر برای من اظهارمن الشمس شد که مترجم در ترجمه‌ی این اثر گرانشنگ با چه دشواریهایی همراه بوده است. مطمئناً شما خواننده‌ی فاضل نیز پس از اتمام مطالعه‌ی این کتاب سخنان بنده را تصدیق خواهید فرمود.

بنده به عنوان یک دوستدار تاریخ و ادبیات آذربایجانی ضمن ارج نهادن به کار علمی آقای «اوموداوغلو»؛ تلاش‌های ایشان را ارج نهاده و از ایشان می‌خواهم به ترجمه‌ی این کتاب بسنده و اکتفا ننمایند و ما را بیش از پیش از سایر آثار و ترجمه‌های خود مستفیض نمایند که بسیار شایسته خواهد شد. ضمن تبریک به ناشر اثر نیز که همیشه سعی بلیغ کرده‌اند که آثار فاخر و مشعر بر علم را چاپ نشر نمایند و ضمن تشکر از مترجم فاضل آن با شما بزرگواران مطالعه این اثر را دنبال کرده؛ به سهم خود به آقای «امید اوغلو» نیز تبریک صمیمانه عرض می‌نمایم. تبریکی دیگر نیز سهم شما خوانندگان گرامی می‌باشد که چنین کتاب مهمی را برگزیده‌اید. اجر همگان مشکور باد.

تبریز - رضا همراز

بسم الله الرحمن الرحيم

«مقدمه‌ی مؤلف»^۱

حمد و سپاس بی‌پایان بر خالق جهان و ترتیب فرمای کون و مکان که نوع بشر را به شرف نطق از سایر مخلوقات ممتاز گردانید. سلام و صلوات بی‌حد، بر پیامبر ذی شأن را که سرور انبیاء و اولیاء، افصح بنی‌عدنان است همو که اقطار جهان به نور ایمان وی تنویر گردید.

اما چنانکه بر اهل علم لغت معلوم است ترکی جغتایی، زبان مادری است که تمام السنه‌ی رایج آسیای میانه از آن منشعب گردیده‌اند. از این‌روی اهمیت آن شایان توجه است از آنجایی که لهجه‌ی ترکی عثمانی از تفرعات این زبان است، یادگیری و شناخت زبان مذکور امری است واجب و ملزوم.

حقیر که فی‌الاصل اهل بخارا بوده و مدت مدیدی در ممالک محروسه‌ی عثمانی (ترکیه) زیسته‌ام و با آگاهی‌هایی که از لهجه و شیوه‌های مختلف زبان ترکی رایج در هر دو مملکت دارم خواستم لغات و یادداشتهای جمع‌آوری شده در موطن خود (آسیای میانه) را که شامل لغات و اصطلاحات است جمع و تدوین نمایم. امری واضح است که زبان جغتایی نیز مثل زبان سایر ملل جهان دارای شیوه و لهجه‌های گوناگونی است لذا حقیر سعی نمودم به قدر امکان، الفاظ و اصطلاحات رایج در بین تمام قبایل را گردآوری، تشریح، و با تمسک به شواهد ادبی از شعرای مشهور و ادبای معتبر آنرا استوار گردانم.

«ابوشقه»^۲ تنها کتاب لغت جغتایی است در ممالک محروسه‌ی عثمانی بین علماء مشهور است. اما لغت مذکور محدود و مختصر است لذا حقیر سعی کردم لغت‌نامه‌ای ترتیب و تدوین کنم حاوی

۱- سطور ۱ چند از مقدمه‌ی دو صفحه‌ای مؤلف تلخیص گردیده است.

۲- همان کتاب لغت «اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتانیه» می‌باشد. چون اولین واژه‌ی درج شده در این لغت‌نامه کلمه‌ی «ابوشقه» است به این نام نیز مشهور گردیده است. مترجم

لغات و اصطلاحات بیشتری بوده و مکمل و دور از عیوب و دشواری‌ها باشد و امید دارم که مقبول ارباب معرفت گردد.

از میان آثار جغتایی تألیف شده‌ی بسیاری که موجود است تنها و تنها معدود آثار و تألیفات امیر علیشیر نوایی، سلطان حسین بایقرا و میر حیدر و... در ممالک محروسه‌ی عثمانی رایج است. لذا یقین دارم که لغت‌نامه‌ی تألیفی حقیر در فهم لغات مشکله و کشف غوامض این آثار، برای اهل ادب مفید فایده خواهد بود.

این اثر ناچیز در دوره‌ی سلطنت خلیفه‌ی زمان، حامی علم عرفان، ناشر عدل و احسان، سلطان البرّین و البحرین، خادم الحرمین الشریفین، پادشاه گردون وقار و شهریار بلند اقتدار، السلطان بن السلطان بن السلطان عبدالحمید خان غازی خلد الله ملکه تألیف و تیمناً به نام نامی همایونی ایشان توشیح گردید. و من الله التوفیق و هو المستعان فی کل حال و آن.

شیخ سلیمان افندی - استانبول

سنه‌ی ۱۲۹۸ هـ. ق

تذکر

تمام توضیحات، اضافات، حواشی و مواد درج شده در بین [] مختص مترجم می‌باشد. برای راحتی خواننده‌گان کتاب از ذکر منابعی که ندرتاً بدانها رجوع شده است به درج نام و صفحه‌ی کتاب بسنده کردیم. فهرست تمام منابعی که در تحشیه‌ی این فرهنگ از آنها بهره گرفته‌ایم در انتهای کتاب تقدیم گردیده است.

اما نام سه کتاب مرجع: ۱- «لغت‌نامه‌ی دهخدا» ۲- «فرهنگ سنگلاخ». ۳- «معاصر عرب دیلینده تورک منشألی سؤزلر»، که مکرراً به متون آنها استناد کرده و از آنها نقل قول نموده‌ایم در جای-جای کتاب ذکر گردیده است.

لازم به توضیح است که، بعضی از کلمات قدیم ترکی که در شرح لغات و در لابلای متن بکار رفته‌اند از طرف حقیر به عنوان لغت مستقل به متن لغت‌نامه علاوه گردیده است. همچنین از آوردن ابیات و اشعاری که مؤلف کتاب به عنوان شواهد ادبی درج کرده بود پرهیز گردید تا از هدف اصلی‌مان که همانا شرح لغات و درج حواشی بود، دور نگردیم.

در نوشتار شکل افعال، اسامی مصدر، اسامی عام و لغات چند سیلابی ذکر شده در این کتاب اغلب حرف «غ» را به شکل «ق» درج کردیم زیرا در اکثر لهجه‌های زبان ترکی حرف «غ» فقط در کلمات تک هجایی بکار می‌رود. مگر در چند مورد، که استثناء می‌باشند و یا بدل از حرف «ق» می‌باشند که میان دو مصوت قرار گرفته‌اند.

تلفظ لاتینی مصوت‌های گردی که در متن کتاب با علامات (اؤ- او- او) بکار رفته‌اند به ترتیب و از راست به چپ چنین می‌باشند: U-O-Ö.

ناگفته نماند، اغلب شواهد شعری بکار رفته در پاورقی‌ها بطریق رجوع مستقیم به خود اثر نبوده و از لغت‌نامه‌ی دهخدا اخذ گردیده است.